



نمایش و یادگیری

لذتبخش و فعال

چرا از نمایش در کلاس استفاده کنیم؟

منوچهر اکبرلو

نویسنده و مدرس نمایش



داد و به کودک شناساند. حتی ارائه آموزش‌های علمی هم در نمایش نباید به صورت مستقیم باشد. اگر مطالب علمی و اخلاقی مورد نظر آموزش‌دهنده را در لابه‌لای داستان نمایش در حرکات، گفت‌وگو و با پاداش و کیفر نشان دهیم، برای او قابل قبول‌تر است. در نمایش درسی، کودک نباید احساس کند بر سر کلاس درس رسمی دیگری آمده است.

نمایش بهترین ابزار تربیت غیرمستقیم است.

۳. خیال پردازی: رؤیا و تخیل برای هر انسانی خوشایند است. هر انسان از زمان تولد برای خود دنیایی خیالی می‌سازد. هر چه بر اطلاعات کودک افزوده می‌شود، این دنیای خیالی بزرگ‌تر می‌شود. کودک اطلاعات و تجربه‌های دریافتی را مطابق میل خود در دنیای ذهنی بازسازی می‌کند و خود را حاکم آن می‌داند. البته میلی که کودک در ساختن دنیای خود به کار می‌بندد، به میزان زیادی به نوع آموزش اولیه، رفتار والدین و دیگران با کودک بستگی دارد. او دنیایی ذهنی می‌سازد و آینده خود را، خواسته یا ناخواسته، براساس آن بنا می‌کند. کودک در خیال خود بدون محدودیت می‌سازد و هر چه پیش می‌رود، با اطلاعاتی که از اطراف می‌گیرد، این ساختن را کامل می‌کند. پس می‌توان با دادن اطلاعات صحیح این دنیاهای نوبنیان را هدایت کرد

استفاده از نمایش در آموزش (از تاریخ و ریاضی گرفته تا مطالعات اجتماعی و آموزش دینی) از مسیر نمایش، امروزه یک پیشنهاد جدی و قابل بحث بین روش‌های یاددهی یادگیری در دنیاست.

این پیشنهاد بر این اصل استوار است که: آنچه دانش‌آموزان «انجام می‌دهند»، مهم‌تر از آن است که «می‌بینند یا می‌شنوند». ارزش و اهمیت نمایش از همین جا آغاز می‌شود. اما چرا از نمایش در کلاس استفاده می‌کنیم؟

۱. برای خوب‌تر زندگی کردن: لازمه زندگی کردن داشتن اطلاعاتی از پیرامون خود است. هر چه این اطلاعات بیشتر و صحیح‌تر باشند، به کارگیرنده آن نتایج سودمندتری به دست می‌آورد.

۲. تربیت مبتنی بر آزادی: یکی از موفق‌ترین راه‌های تربیت مبتنی بر آزادی، هنر است که به علت زیبایی و انتزاعی بودن می‌تواند هر امر تربیتی را در پوششی حریری، در اوج اثرگذاری، بر ذهن مخاطب بنشاند. نمایش به خاطر دارا بودن تحرک، فضای خاص و دیگر ویژگی‌ها، مورد توجه کودک است. نمایش مانند دیگر هنرها می‌تواند برای کودک پدیدآورنده حس اندیشه، جست‌وجوگری، مطالعه، رفتار مناسب، اخلاق نیکو، دیدن درست پیرامون خود، حس نوع‌دوستی و در نهایت کمک به او در ایجاد ارتباط صحیح با دنیای اطراف و درک متقابل از همدیگر باشد.

نمایش را نباید در چند پند خشک و شعاری خلاصه کرد. باید به آن گستردگی بخشید و جوانب زندگی را در آن جریان

تا با اتحاد این دنیاهاى نو برای خود و دیگران فردای روشن بیافریند.

۴. هم‌ذات پنداری: سخنی که از دهان عروسک مورد علاقهٔ کودک گفته می‌شود، اثرش به مراتب بیشتر از نصیحت‌های مریب است. کودک خود را در قالب قهرمان داستان می‌بیند. می‌خواهد چون او باشد: شجاع، با گذشت، قوی و مهربان، و مورد علاقهٔ همه. به‌طور مثال، او باید اعمال و رفتار قهرمان را انجام دهد و خواسته یا ناخواسته چون قهرمان داستان حرف بزند و رفتار کند. او را وارد دنیای ذهنی خود می‌کند و الگوی خود می‌سازد.

اگر کودک نمایشی را ببیند، خود را قهرمان آن می‌پندارد، «همان‌طور که در زندگی واقعی خود را به جای کسانی می‌گذارد که دوست دارد». رفتارش را تقلید می‌کند، از او الگو می‌سازد و با او زندگی می‌کند. او در زمان دیدن نمایش، خود را فقط مخاطب و ناظر فرض نمی‌کند. این شبیهٔ واقعی بودن نمایش حتی برای بزرگسالان هم اتفاق می‌افتد.

۵. شادی‌بخشی: عوامل شادی‌بخش می‌توانند نیروی بالقوه شاد و زیبایی به وجود آورند که طبیعی است کودک آن را به نیرویی بالفعل و شاد و زیبایی‌بخش تبدیل خواهد کرد. شادی در کودک، خلاقیت، قدرت آفرینش، ایجاد امنیت و ثبات فکری و میل به زندگی تولید می‌کند. او در شادی یاد می‌گیرد همه را دوست بدارد و با دیگران مهربان باشد. او

در ساختن دنیای آیندهٔ خود به انرژی و پشتوانه نیاز دارد که می‌توان مقداری از آن را با شادی در او تولید کرد. برانگیختن احساس شادی در کودک، او را یاری می‌کند در فضایی زیبا و به‌یادماندنی، نصیحت‌ها را به خاطر بسپارد.

نمایش ویژهٔ کودکان باید داستانی ساده با مضمون مناسب کودک و تا حد امکان سرگرم‌کننده (فانتزی) با آهنگی تند و شاد داشته باشد. یکی از ویژگی‌های مهم این نوع نمایش، درگیر کردن کودک با پرسش و پاسخ یا راه‌های دیگر است. استفاده از رنگ‌های شاد، مدت‌زمان کوتاه نمایش، و گفت‌وگوهای ساده به فهم نمایش توسط کودک کمک می‌کنند. هدف فقط وارد شدن به دنیای کودک نیست، باور او از مسائل مطرح‌شده و نگهداشتن ملموس آن در ذهن وی هم باید مورد توجه باشد.

۶. غریزهٔ تقلید: اهمیت تقلید از این لحاظ است که در

یادگیری‌هایی که انسان با آن‌ها روبه‌روست، به‌طور مرتب از آن به‌عنوان پایه استفاده می‌کند. مثلاً یادگیری زبان تا حد به‌نسبت زیادی تابع تقلید است. نقش دیگر تقلید در انتشار هیجان‌هاست. به‌خصوص در





۱۰. سرگرمی و لذت بردن: هیچ انسان متعادلی نیست که سرگرم شدن برایش خوشایند نباشد. سرگرم شدن طیف گسترده‌ای از مزایای سلامت جسمی، روحی، عاطفی و اجتماعی برای کودکان دارد. روشن است که فعالیت‌های کودکان بدون هدف، به آسیب در رشد جسمی، ذهنی و شناختی، عاطفی و اجتماعی کودکان منجر می‌شوند. به همین دلیل، این یک مؤلفه اصلی در سلامت نسل‌های بعد و اجداد شناخته شده است.

آنچه سرگرم‌کننده گروهی است، به روابط دوستانه منجر می‌شود. در اینجا هوش هیجانی با کمک به کودکان در بازی و برقراری روابط با هم‌سالان خود ایجاد می‌شود. روابط دوستی در روند بهبود و زندگی بشر تأثیر فوق‌العاده‌ای دارد. دوستی‌های پیش‌دبستانی به بهبود مهارت‌های اجتماعی، عاطفی و ترویج حس تعلق کودکان کمک زیادی می‌کنند و به سلامت مغز و ذهن منجر می‌شوند. در فرایند تولید نمایش درسی، کودکان کم‌حرف می‌توانند دیدگاه‌ها، تجربه‌ها و ناامیدی‌های خود را از طریق بازی بیان کنند. هوش هیجانی ایجاد شده در طول نمایش، به کودک کمک می‌کند موقعیت‌های اجتماعی و روابط را در طول زندگی خود بشناسد و به آن‌ها جهت دهد. این فعالیت، علاوه بر ایجاد هوش هیجانی، به رشد اعتمادبه‌نفس سالم در کودکان کمک می‌کند. با بالا رفتن اعتمادبه‌نفس و انعطاف‌پذیری کودکان، آن‌ها می‌توانند جای خود را در این جهان هستی پیدا کنند و با چالش‌های آینده روبه‌رو شوند.

امروزه همه آرزو می‌کنند در جامعه‌ای سالم و کوشا زندگی کنند؛ جامعه‌ای به دور از هر نوع زشتی و فریب، سرشار از نیکی‌ها و مهر. اما کمتر از خود می‌پرسیم این جامعه و زندگی ایده‌آل چگونه به وجود می‌آید؟ در این زمینه، هنر نمایش یاریگر بزرگی است.

گروه‌هایی که اعمال سازمان‌یافته انجام می‌گیرند، تقلید نقش مهمی دارد. همراه با تحول ذهنی، تقلید نیز در فرد آدمی به کار می‌افتد و شاید بتوان در این راه از نوعی گرایش یا سوگیری کلی سازمان روانی سخن گفت. همچنین، اهمیت تقلید در این است که مقدمه‌ای برای تجسم است. یعنی اینکه قبل از رسیدن به زندگی تجسمی، سازوکار (مکانیزم) تقلید زیربنای تجسم یا اساس تصویر ذهنی را فراهم می‌کند. نمایش نیز بر این گزینه استوار است. از قدیم روان‌شناسان و گاه فلاسفه معتقد بودند که یکی از غرایز انسان، تمایل او به تقلید است.

تقلید، یکی از مباحث جدی در روان‌شناسی رشد است. نوعی فعالیت مربوط به پردازش اطلاعات که هم‌زمان با مشاهداتی که کودک از جهان اطراف خود دارد، اطلاعاتی به مجموعه داشته‌های شناختی او راه یافته و مورد پردازش قرار می‌گیرد. این فرایند بعدها الگویی برای عمل او خواهد بود.

۷. با هم بودن: در نمایش همه انسان‌ها دور هم جمع می‌شوند؛ هم گروه اجرایی و هم تماشاگران. دور هم جمع می‌شوند و درباره چیزی سخن می‌گویند و می‌شنوند. در نمایش درسی، پرسش و پاسخ پس از اجرا، این دوره‌می را بسیار تقویت می‌کند. جمع شدن یک رفتار بسیار مهم است؛ به‌ویژه در دنیای دیجیتال امروز، اهمیت آن افزایش یافته است.

۸. تقویت روحیه گفت‌وگو: بخشی از نمایش، گوش سپردن به عقیده‌های مختلف است. بخش دیگر آن بررسی جنبه‌های مختلف یک موضوع و نیز فکر کردن روی مناقشات و سؤالاتی که در زندگی با آن‌ها روبه‌رو هستیم؛ فکر روی انتخاب دیگران و اینکه اگر ما جای آن‌ها بودیم چه می‌کردیم. نمایش، گفت‌وگو را تقویت می‌کند.

۹. تقویت حواس و مهارت‌ها: نمایش به تقویت حواس و مهارت‌های زبانی و ادراکی و دیگر انواع مهارت ختم می‌شود.